

نظر بسته بتعریفی است که از کلمه‌ی درستکاری بشود. او هیچگاه کمونیست نبوده است. وی در ظاهر همواره از کمونیستها برکناری داشت ولی بکمک آنها متکی بود و آنان را نردبان ترقی خود ساخته بود.

## عرض جواب

در هر مملکتی نظیر ایران رجال و کارمندان دولت را باید سه دسته تقسیم نمود: رجال مخلوق سیاست خارجی - رجال خیرخواه و غیرمبارز - رجال خیرخواه و مبارز. نسبت بهریک از این سه دسته توضیحاتی لازم است داده شود.

(۱) رجال مخلوق کسانی هستند که با نظریات خارجی وارد کار میشوند و مصالح شخص خود را با مصالح خارجی توأم مینمایند و همیشه صاحب کارند. آنجا که برای سیاست خارجی نفعی نباشد آنان نفعی ندارند و اکثریت قریب باتفاق رجال این مملکت از این قماشند.

(۲) رجال خیرخواه و غیرمبارز کسانی بودند که هر وقت سیاست خارجی میخواست مردم نفس بکشند وارد کار میشدند و چون استحکامی نداشتند کار مهمی نمی توانستند انجام دهند و باز هر وقت سیاست خارجی میخواست نقشه‌ی اختناق را عملی کند دست از کار میکشیدند و زمام امور دست کسانی قرار میگرفت که بتوانند از عهده‌ی انجام نقشه‌ی اختناق برآیند.

(۳) رجال خیرخواه و مبارز کسانی هستند که با سیاست خارجی ارتباطی ندارند و در راه آزادی و استقلال وطن حاضرند که از همه چیز بگذرند.

آری بطوری که شاهنشاه فرموده‌اند سیاست انگلیس در انتصاب من بایالت فارس دخالت تام داشت. من در اروپا بودم که در دولت حسن پیرنیا مشیرالدوله بوزارت عدلیه منصوب شدم و از طریق هندوستان عازم ایران گردیدم. ورودم بشیراز تصادف کرده بود با استعفای دانی من فرمانفرما که والی فارس بود. نظر باینکه در آن عصر والی هر ایالت شخص مقتدری بود که در تمام امور مربوط بآن استان دخالت مینمود و اختیارات یک والی با اختیارات یک استاندار کنونی بسیار فرق داشت وفارس هم یک محل پردرآمدی بود که بعضی از رجال نفع پرست در طهران داوطلب ایالت فارس شده و سعی میکردند فرمان انتصاب خود را بگیرند و تبلیغات کمونیستی هم در ایران سیاست استعمار را نگران کرده بود و میخواستند شخص بیغرضی در این استان وارد کار شود که عدم رضایت مردم موجب پیشرفت این مرام نگردد. این بود که بعد از ورودم بشیراز پس از چند ساعت عده‌ای بتلگرافخانه رفتند و انتصاب مرا بآن ایالت از دولت درخواست کردند